

مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و گرایش به استفاده از مواد نیروزا (مورد مطالعه: جوانان ورزشکار شهر شیراز)

بیژن خواجه‌نوری^۱، حمید صداقت^{۲*}

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا در جوانان است. این مطالعه با رویکرد کمی و روش پیمایش انجام شده و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل جوانان ورزشکار ۱۵-۲۹ سال ساکن در شهر شیراز می‌باشد. حجم نمونه ۴۰۰ نفر است. یافته‌ها نشان می‌دهند که رابطه معنی‌داری بین ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد نهادی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و فرهنگی، روابط اجتماعی، حمایت دوستان و خانواده، هنجار اجتماعی) و گرایش به استفاده از مصرف مواد نیروزا وجود دارد. از بین متغیرهای زمینه‌ای نیز تفاوت معناداری بین گروه‌های سنی، رشته ورزشی، وضعیت تحصیلات، وضعیت اشتغال بر حسب گرایش به استفاده از مواد نیروزا تفاوت وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد به ترتیب یازده متغیر (بدن‌سازی، درآمدزیر ۵۰۰ هزار تومان، ۲ تا ۲/۵ و ۳ تا ۳/۵ میلیون تومان خانواده، روابط اجتماعی، تحصیلات زیر دیپلم، تحصیلات پدر با فوق‌دیپلم، حمایت جامعه ورزشی، مشارکت ورزشی،

درآمد ۳ تا ۳/۵ و ۳/۵ تا ۴ میلیون پاسخگو) ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، گرایش به استفاده از مواد نیرزوا، ورزشکاران، جوانان، شیراز.

مقدمه و بیان مسأله

استفاده روزافزون ورزشکاران از مواد نیرزوا بدون توجه به اثرات استفاده آن بر بدن، فرد و جامعه، یکی از معضلات مهم در جامعه ورزشی امروز ایران می‌باشد. با توجه به اینکه بسیاری از افراد سودجو در حیطه دوپینگ و مواد دارویی برای خود بازار باز کرده‌اند و با اظهار نظرهای غیر صحیح، آسیب‌های جسمی، روحی، مادی و معنوی جبران ناپذیری را به قشر عظیمی از جوانان وارد می‌آورند، به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی و آگاه‌ساختن ورزشکاران، مربیان و خانواده‌ها از آخرین اطلاعات موجود در زمینه استفاده از مواد نیرزوا بر دوش محققان اجتماعی و مسئولین سنگینی می‌کند. با توجه به اینکه در سطوح ملی و بین‌المللی ورزشکاران نماینده‌ی کشور ما ایران در عرصه‌ی جهانی هستند. استفاده از مواد نیرزوا می‌تواند لطمه‌های جبران ناپذیری بر اعتبار ملی ایرانیان وارد کند. استفاده از مواد نیرزوا هرچند در بین ورزشکاران حرفه‌ای از شیوع بیشتری برخوردار است، اما تنها ورزشکاران حرفه‌ای نیستند که از این مواد به منظور افزایش عملکرد استفاده می‌کنند، بلکه میزان گسترده‌ای از ورزشکاران غیرحرفه‌ای در دام مصرف مواد نیرزوا می‌افتند. در سال ۲۰۱۱ تعداد ۷۳۰ نمونه تست دوپینگ توسط افسران نادو از ورزشکاران اخذ شد که در این بین تعداد ۲۰ نمونه مثبت اعلام شد (ستاد ملی مبارزه با دوپینگ، ۲۰۱۱). تعداد زیادی از مواد نیرزوا بارها توسط مؤسسات علمی پژوهشی معتبر دنیا رد شده و در مورد استفاده‌ی آن‌ها توسط ورزشکاران هشدارهایی داده شده است ولی این بیانیه‌ها در کاهش مصرف این داروها کافی نبوده است. تبلیغات گسترده‌ی این داروها باعث گردیده تا تعداد زیادی از والدین، مربیان و ورزشکاران تصور کنند که مصرف این مواد نه تنها مفید می‌باشد بلکه برای افزایش عملکردهای ورزشی و یا موفقیت ورزشی ضروری است. امروزه استفاده‌ی نادرست از داروها به معضل پیچیده‌ای تبدیل شده است. دوپینگ، تنها سوء

مصرف مواد دارویی نیست بلکه با جنبه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی ارتباط دارد. استفاده از مواد و روش‌های غیرمجاز، عملی غیراخلاقی و مغایر با رقابت شرافتمندانه است و در عین حال که ارزش‌ها را برهم می‌زند، ممکن است سلامت ورزشکاران را نیز به خطر اندازد. در کشور ما ایران به موازات رشد ورزش حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای و نیز بهبود چشمگیر جایگاه اجتماعی و اقتصادی ورزشکاران، پدیده‌ی شوم دوپینگ به‌طور روزافزونی افزایش یافته و مشکلات زیادی برای ورزش کشور به بار آورده است (حلب چی، ۱۳۸۶). در تحقیقی که به بررسی مکمل‌های غذایی و داروهای غیرمجاز در باشگاه‌های بدن‌سازی شهر اصفهان پرداخته است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۶۸ درصد از کراتین، ۶۳ درصد مکمل‌های ویتامینی، ۵۵ درصد اسیدهای آمینه و ۴۰ درصد از استروئیدهای آنابولیک مصرف می‌کرده‌اند (صالح و سلمانی، ۱۳۸۴، ستاد ملی مبارزه با دوپینگ، ۱۳۸۹). در حال حاضر نمی‌توان ورزشکاران جوان را گناه کار و مجرم شناخت؛ زیرا ورزشکار به‌عنوان عضوی از جامعه در درون یک سیستم ورزشی به فعالیت مشغول است. ورزشکاران با رکورد شکنی در رشته‌های مختلف ورزشی از نظر مالی و اقتصادی رشد چشمگیری پیدا می‌کنند و از نظر اجتماعی محبوب می‌شوند. از طرفی انحراف در این زمینه گاهی توسط سازمان‌های ورزشی مورد اغماض قرار می‌گیرد، پس طبیعی است که استفاده از مواد نیروزا به‌عنوان یک نردبان ترقی به شمار آید. برخی جامعه‌شناسان و محققان روانشناسی اجتماعی در مطالعات و تحقیقات خود فهرست عمده‌ای از دلایل استفاده ورزشکاران از مواد نیروزا را عنوان کرده‌اند، از جمله: اثرات داروها، در دسترس بودن داروها، جوایز مالی و پاداش‌های زیاد، چشم‌پوشی مربیان و معلمان مدارس از استفاده ورزشکاران مبتدی، انتظارات بیش از حد، عدم اعتماد به نفس، عدم توجه سازمان‌های ورزشی، عدم آموزش کافی و تبلیغات گسترده داروها از طریق رسانه‌ها (نادریان جهرمی، ۱۳۸۹). در این میان به سرمایه‌ی اجتماعی^۱ به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر گرایش و عدم گرایش به مصرف مواد نیروزا توجه بسیار کمی مبذول شده است.

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و فیزیکی، از سرمایه‌ی دیگری به نام سرمایه‌ی اجتماعی نام برده می‌شود که در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مطرح شده است.

1 Social capital

سرمایه اجتماعی به ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند شبکه، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند. توجه به مسئله دوپینگ ورزشکاران به خصوص جوانان ضروری به نظر می‌رسد. سرمایه اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی است. بورديو^۱ بر مشارکت فرد در شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌کند که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می‌شود (باستانی، ۱۳۸۷). امروزه دوستان، گروه‌ها، مریان، خانواده‌ها، ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، در جامعه‌پذیری افراد، نقش مهمی بازی می‌کنند، شناخت و بررسی سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به اهمیتی که قشر ورزشکار و جوان برای جامعه ما دارد، می‌تواند در نحوه‌ی برنامه‌ریزی و فعالیت‌های مؤثر برای جوانان ورزشکار راهگشا باشد. در سایه سرمایه اجتماعی است که فشار برای حفظ نظم عمومی به هنجارهای فراگیر تبدیل خواهد شد و تمایل به رفتارهای انحرافی از جمله گرایش به مصرف مواد نیروزا کاهش می‌یابد. همچنین عضویت در انجمن و سازمان‌های داوطلبانه مستلزم رعایت قوانین و هنجارهای گوناگونی با اولویت هنجارهای جامعه و قوانین موجود می‌باشد. که همین امر افراد فعال در این سازمان‌ها را به رعایت هنجارهای موجود تشویق می‌کند. با افزایش سرمایه اجتماعی، همواره منافع جمعی بر منافع فردی ارجح دانسته می‌شود، بدون آنکه اجازه دست‌درازی به منافع فردی به کسی داده شود. مطالعه رفتارهای انحرافی از جمله استفاده از مواد نیروزا با تأکید بر سرمایه اجتماعی به وضعیتی می‌انجامد که در آن انواع رفتارهای انحرافی تحت کنترل میزان سرمایه اجتماعی در افراد می‌گردد. بنابراین بزهکاری مبین ضعف تعلق جمعی و رسمی و در نتیجه نارسایی تفکیک‌پذیری اجتماعی و عدم توازن بین تمایل جامعه‌شیدایی - جامعه‌ستیزی در شخصیت کنش‌گر است (محمدی اصل، ۱۳۸۳: ۶۸).

پیشینه تحقیق

نتایج تحقیق هاشمیان فر و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری بین متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی، بی‌هنجاری، احساس انزوای اجتماعی، معاشرت با دوستان

مصرف کننده و جنسیت وجود دارد. نتایج تحقیق عزیزی (۱۳۹۱) حاکی از آن بوده است که ۶۱/۹ درصد قایقرانان تمایل به استفاده از مواد نیروزا داشته‌اند. دلیل استفاده از مواد نیروزا افزایش سرعت، قدرت و استقامت بوده است. قایقرانان ۳۹/۳ درصد از طریق داروخانه، ۲۵/۰ درصد از طریق مربی، ۱۴/۳ درصد از طریق دوستان و ۳/۶ درصد از طریق باشگاه‌ها به دست می‌آورده‌اند.

نخعی و همکاران (۱۳۹۱) تحقیق در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که از ۱۹۹ مرد و ۸۶ زن شرکت کننده در تحقیق، ۴۷/۷ درصد از مردان و ۴/۶ درصد از زنان سابقه مصرف مواد نیروزا را نشان داده‌اند. مصرف مواد نیروزا بیشتر در مناطقی مشاهده شده که از نظر اجتماعی و اقتصادی در سطح بالاتری قرار داشته‌اند. همچنین ورزشکاران رشته‌ی بدن‌سازی بیشترین تعداد مصرف کنندگان مواد نیروزا را به خود اختصاص داده بودند. نتایج تحقیق نقدی و محمدی (۱۳۹۰) نشان داد که ۷۹ نفر از مواد نیروزا استفاده کرده‌اند. تنها ۸ نفر (۰/۰۰۸) سابقه مصرف استروئیدهای آنابولیک (Anabolic Steroids) داشتند که همه پسر و ورزشکار بودند. کم‌تر از ۳/۷ درصد از کل دانش‌آموزان با بیشتر از سه عارضه استروئیدهای آنابولیک (هورمون‌های جنسی مردانه مصنوعی) آشنا بودند. آلودگی دانش‌آموزان کردستان به استروئیدهای آنابولیک کم است اما ورزشکاران پسر در معرض خطر سوء مصرف قرار دارند. رارانی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بین سرمایه اجتماعی و متغیرهای فقر، رشد طبیعی جمعیت، خشونت، میزان باسوادی، میزان بیکاری و پوشش بیمه به‌عنوان بیانگرهای سلامت اجتماعی رابطه آماری معنی‌داری وجود دارد.

نتایج تحقیق سرلک و کاشی (۱۳۸۸) نشان داد که ۹۲ نفر (۹/۳) درصد از دانش‌آموزان شرکت کننده در این تحقیق اعتراف به مصرف حداقل یک ماده نیروزا نمودند که ۳۷ نفر (۳/۷) درصد از این دانش‌آموزان از داروهای ممنوعه و ۷۱ نفر (۷/۱) درصد از دانش‌آموزان نیز از مکمل‌های ورزشی استفاده کرده بودند. البته میزان شیوع مواد نیروزا در بین دانش‌آموزان پسر برابر با (۱۳/۴) درصد و در بین دانش‌آموزان دختر برابر با (۴/۳) بود. تحلیل اطلاعات در این تحقیق نشان داد که عوامل مؤثر در شیوع مصرف مواد نیروزا، سن، جنس، قد، وزن، محل سکونت، میزان درآمد خانواده، ورزشکار بودن، رشته‌ی ورزشی، شیوه‌ی

فعالیت ورزشی، داشتن سابقه‌ی قهرمانی، رشته‌ی ورزشی قهرمانی، سطح قهرمانی، نگرش به سمت دوپینگ، آگاهی از دوپینگ و شناخت نام مواد نیروزا می‌باشد. سازوار و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که بیشترین مصرف در بین بدن‌سازان و کمترین مصرف هم در ورزشکاران بدمیتون بود. میزان مصرف با میزان آگاهی، رشته‌های ورزشی، وضعیت تحصیلی و تحصیلات والدین مرتبط بوده است. در تحقیقی که یاگر^۱ و همکاران (۲۰۱۴) در استرالیا بر روی ۱۱۴۸ نفر در مورد تصور از بدن و گرایش به دوپینگ انجام دادند، نتایج نشان می‌دهد مردان جوانی که از بدن خود ناراضی بودند و به دنبال تغییر وزن بودند به سوی مواد دوپینگی گرایش بیشتری داشتند. آن‌ها عنوان می‌کنند که آموزش مناسب می‌تواند عاملی برای پیشگیری از نارضایتی از بدن و استفاده از مواد دوپینگی باشد.

نتایج تحقیق سکالیچ^۲ و همکارانش (۲۰۱۲) در بررسی شیوع سوء مصرف مواد و ارتباط آن با موفقیت تحصیلی ورزشی بر روی ۱۰۳۲ نوجوانان بوسنی و هرزگوین نشان می‌دهد که بیش از یک سوم پسران و یک چهارم دختران روزانه سیگار می‌کشند؛ و تقریباً نیمی از پسران و یک پنجم دختران نوشیدنی‌های مضر مصرف می‌کنند؛ و داروهای دیگر همچون کوکائین، آمفتامین و بقیه داروها، به ندرت مصرف شده بودند. تقریباً (۲۳ درصد) از پسران و (۶ درصد) از دختران گزارش دادند که سیگار و نوشیدنی را هنگام تمرین مصرف کرده‌اند؛ و نشان می‌دهند که در هر دو جنسیت سوء مصرف مواد با پیشرفت تحصیلی همبستگی منفی داشته است. در تحقیقی با موضوع ترویج غذاهای کاربردی به عنوان جایگزینی برای دوپینگ که توسط جیمز^۳ و همکاران (۲۰۱۰) در دانشگاه کینگستون بر روی ۱۱۵ نفر صورت گرفت، نتایج نشان می‌دهد که افزایش دانش، تغییر باورها و دادن مشوق‌ها می‌تواند در این مورد مفید واقع گردد. شواهد نشان می‌دهد که قرار گرفتن حتی در معرض یک پیام قانع‌کننده می‌تواند منجر به تغییر باور گردد.

1. Z. Yager
2. D. Sekulic
3. R. James

ازدن ازبی^۱ (۲۰۰۸) در تحقیق خود به این نتیجه که بیشتر سنجه‌های سرمایه اجتماعی به‌طور ثابت و مثبتی معنی‌دار نیست و سرمایه اجتماعی هم جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی را در بر می‌گیرد. محرومیت با فقدان سرمایه اجتماعی به‌عنوان مفهوم جدید، برای اولین بار استفاده و آزمون شد. این مفهوم تأثیر مثبتی بر رفتار انحرافی داشته است. مارتین^۲ و همکارانش (۲۰۰۵) در بررسی مصرف مکمل‌های غذایی ورزشکاران تیم‌های دانشگاهی دریافتند که ۹۸/۶ درصد از کل اعضای این تیم‌ها از مکمل‌های غذایی استفاده می‌کردند و دریافتند که مردان تیم‌های دانشگاهی نسبت به زنان، مکمل‌هایی چون نوشیدنی‌های ورزشی، ژل‌های کربوهیدراتی، پودرهای پروتئینی و کراتین مصرف می‌کردند که در این تحقیق خیلی از مصرف‌کنندگان گزارش کردند که آگاهی کمی درباره مکمل‌ها داشتند و تمایل نشان دادند که در این مورد بیشتر یاد بگیرند.

آنا^۳ و همکارانش (۱۹۹۸) در گزارش‌های تحقیقاتی خود در مورد نگرش، شیوع و آگاهی دانش‌آموزان دبیرستانی نسبت به مصرف استروئیدها و هورمون‌های رشد نشان دادند که ۱/۶ درصد از نمونه‌ها از داروهای دوپینگ استفاده کردند. ۲۵/۲ درصد از آن‌ها حداقل یک‌بار از استروئیدها، ۱/۷۶ درصد از تستوسترون و ۰/۶ درصد هم از هورمون رشد استفاده کردند. بیشتر پسران و دختران با دوپینگ مخالف بودند؛ و پسرنی که مصرف عامل‌های دوپینگ را گزارش کرده بودند نسبت به افرادی که از این داروها استفاده نمی‌کردند، نگرش مثبت‌تری نسبت به دوپینگ داشتند. عمده‌ترین دلیل ۴۸/۷ درصد برای مصرف این مواد ساخت توده عضلانی بزرگ‌تر و افزایش جذابیت گزارش شده است.

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری تحقیق حاضر شامل نظریه سرمایه اجتماعی بوردیو و نظریه پیوند اجتماعی^۴ هیرشی^۱ است. در ابتدا به صورت مختصر بیان می‌شود و سپس در ارتباط با مسئله

1 O. Ozbay

2 K. Martine

3 F. Anna

4 Social Bond

تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد. از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی شامل موقعیت‌ها و روابط در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است که دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد. او تطابقی میان جایگاه اجتماعی، سلیقه‌ها و رفتارها در نظر می‌گیرد (بوردیو، ۱۹۸۶). سرمایه اجتماعی، سرمایه‌ای از روابط اجتماعی است که در صورت لزوم حمایت‌های سودمندی فراهم می‌کند. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه‌ی با دوامی از روابط نهادی شده‌ی بین افراد و گروه‌ها و به عبارت ساده‌تر، عضویت در گروه است (بوردیو، ۱۹۸۶). بنابر این سرمایه اجتماعی دارای سه بعد است: شبکه اجتماعی (شامل مشارکت اجتماعی و روابط اجتماعی)، اعتماد اجتماعی (شامل اعتماد بین فردی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی) و هنجار اجتماعی (شامل همیاری اجتماعی، حمایت اجتماعی و انسجام اجتماعی)، (خوش فر، ۱۳۸۷).

نظریه پیوند اجتماعی این سؤال را مطرح می‌کند که «چرا همه افراد در رفتارهای انحرافی شرکت نمی‌کنند؟». در نهایت انحراف روشی ساده و سریع برای ارضای یک خواسته و میل است. در آن صورت، پیش فرض ضمنی هیرشی آن است که ماهیت انسانی تمایل به انحراف دارد. به همین دلیل وی تصور می‌کند که نظریه کنترل اجتماعی نیازی ندارد که به جرم پیردازد (یا میل به ارتکاب جرم)، بلکه نیاز است تبیین شود که چرا برخی افراد از جرم خودداری می‌کنند. «چه می‌شود که در عین تمایل تمام افراد به ارتکاب جرم برخی از انجام آن خودداری می‌کنند؟». تبیین هیرشی اینگونه بود که علت خودداری انسان‌ها از جرم، برقراری پیوند اجتماعی است. وی بیان کرد که کجروی نتیجه پیوندهای ضعیف یا قطع شده با جامعه است. به اعتقاد او چهار عنصر برای پیوند اجتماعی وجود دارد: وابستگی^۱، تعهد^۲، مشغولیت و اعتقاد (ویتو و همکاران^۳، ۲۰۱۲: ۱۸۱).

وابستگی: تعلق خاطر داشتن نسبت به دیگران و نهادها در جامعه یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن به جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود که

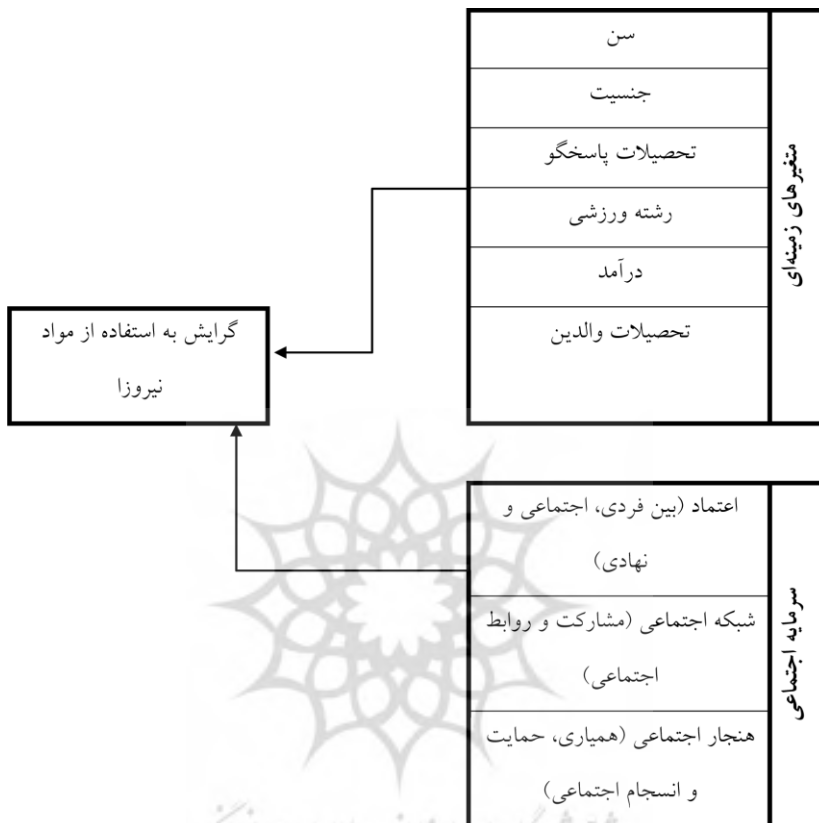
1 Hirschi
2 Attachment.
3 Commitment
4 Vito et al

فرد خود را در ارتکاب جرم آزاد ببیند؛ **تعهد**: کسانی که زمان، انرژی و کوشش خود را صرف امور مرسوم مانند تحصیل، کسب شغل، کسب شهرت و منزلت و پس انداز می کنند و به فعالیت های متداول زندگی روزمره متعهدند برای حفظ موقعیت خود از ارتکاب به کجروی می پرهیزند؛ **مشغولیت**: بیشتر افراد در طول زندگی خود زمان و انرژی محدودی دارند درگیری در امور زندگی روزمره و فعالیت های متداول وقت و انرژی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می گردد افراد بیکار و ولگرد وقت بیشتری برای هنجارشکنی دارند؛ **اعتقاد**: اعتقاد افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می شود و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کجروی هموار می کند (قربانی و فیض آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

اولین بُعد از سرمایه اجتماعی شبکه اجتماعی است که خود دارای دو بعد مشارکت و روابط اجتماعی است. مشارکت اجتماعی بالا در نهادهای مختلف جامعه (خانواده، گروه دوستان، نهادهای مردمی، مذهبی و ...)، همچنین گسترش روابط اجتماعی می تواند باعث شود تا تعلق خاطر فرد نسبت به نهادها و بطور کلی افراد جامعه افزایش یابد و از این طریق فرد پیوند خود را با جامعه قوی کند. بنابراین با توجه به مباحث بالا، تشدید پیوند با جامعه و افزایش تعلق خاطر به آن موجب پابندی بیشتر افراد به هنجارهای اجتماعی می گردد. از سوی دیگر، با افزایش مشارکت اجتماعی در نهادهای متفاوت مشغولیت افراد نیز افزایش می یابد. مشارکت در این نوع فعالیت ها نیازمند انرژی و زمان است. حاصل این روند به کاهش رفتارهای انحرافی مانند استفاده از مواد نیروزا می گردد. دومین بعد از سرمایه اجتماعی اعتماد است که در سه سطح بین فردی، اجتماعی و نهادی مطرح می شود. زمانی که اعتماد بین فردی یعنی اعتماد به خانواده، خویشان، دوستان و همکاران افزایش می یابد خود باعث تعلق خاطر و وابستگی بیشتر به آنان و هنجارهایشان شده و راه را برای رفتاری مانند استفاده از مواد نیروزا می بندد. مطابق با نظریه ی پیوند اجتماعی، افزایش پیوند فرد با دیگران موجب درونی شدن هنجارها از سوی فرد می شود. همچنین اعتماد در سطح اجتماعی و نهادی مانع استفاده از داروهای نیروزا می شود. در واقع وجود اعتماد اجتماعی باعث می شود که فرد به دیگر رقبا در یک مسابقه ورزشی اعتماد داشته باشد و بداند که دیگران برای پیروزی از این مواد استفاده نمی کنند، لذا احتمال کمتری

دارد که او نیز از این شیوه برای پیروزی استفاده کند. افزایش اعتماد نهادی به معنی اعتقاد به اعتبار اخلاقی هنجارهای اجتماعی نهادهای جامعه است که این امر مانع از انحراف از این هنجارها می‌گردد. این نوع اعتماد باعث می‌شود تا فرد مطمئن باشد در نهایت بر اساس توانایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد نه سایر ملاک‌ها و در نتیجه از هر روشی برای پیروزی و فائق آمدن بر محدودیت‌های نهادی استفاده نکند. از طرفی اعتماد و اعتقاد در سطح نهادی باعث افزایش مشارکت فرد در این نهادها می‌شود که خود چنانچه بالاتر نیز اشاره شد مانع از رفتارهایی مانند استفاده از مواد نیروزا می‌گردد. سومین بُعد از سرمایه اجتماعی هنجار اجتماعی است که خود شامل سه بعد انسجام اجتماعی، همیاری و حمایت اجتماعی است. بُعد انسجام اجتماعی شامل درونی کردن هنجارهای جامعه است که خود به طور مستقیم می‌تواند پایبندی به آن‌ها و لذا عدم ارتکاب به رفتارهایی همچون استفاده از مواد نیروزا را تضمین کند. بُعد همیاری و حمایت اجتماعی خود نشانگر وابستگی فرد به دیگران و قوی بودن پیوند با آنان است که می‌تواند نشان دهنده وابستگی به دیگران و پایبندی و تعلق خاطر فرد به هنجارها و انتظارات اجتماعی باشد، از جمله هنجارهایی که مانع از استفاده از مواد نیروزا می‌شوند. بنابر آنچه در چارچوب نظری بیان شد، مدل زیر به عنوان مدل تحقیق ارائه می‌شود.

مدل تحقیق



روش تحقیق

در این تحقیق از تکنیک پیمایش^۱ استفاده شده است. جامعه آماری ما شامل ورزشکاران پنج رشته‌ی ورزشی فوتبال و فوتسال، دوچرخه‌سواری، ورزش‌های رزمی، دو و میدانی، بدن‌سازی و پرورش اندام جوان سنین ۱۵-۲۹ سال ساکن در شهر شیراز می‌باشد. جمع کل این پنج رشته‌ی ورزشی ۲۶۳۸۷ نفر می‌باشد که ۱۷۷۸۴ نفر را مردان و ۸۶۰۳ نفر را بانوان تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری خوشه‌ای می‌باشد. بر اساس فرمول کوکران (رفیع پور، ۱۳۸۳) برای ورزشکاران برابر با ۳۷۹ نفر می‌شود؛ و با در نظر گرفتن

احتمال ریزش پرسشنامه و عدم برگشت تعدادی پرسشنامه ما نمونه‌ی ۴۰۰ نفری را اتخاذ کرده‌ایم. برای سنجش اعتبار سؤالات نیز از شیوه‌ی صوری و تحلیل عاملی استفاده شد. روش آلفای کرونباخ نیز برای سنجش پایایی گویه‌ها به کار گرفته شد.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

اعتماد اجتماعی: بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده به لحاظ اجتماعی دلالت دارد که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۹). اعتماد بر سه نوع است: (۱) اعتماد بین فردی (۲) اعتماد اجتماعی (۳) اعتماد نهادی (زاهدی و اجاق‌لو، ۱۳۸۴: ۱۰۲). اعتماد بین فردی، شامل اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان و همکاران می‌شود. اعتماد اجتماعی، اعتماد به افراد کمتر آشنا و بیگانگان اجتماع را شامل می‌شود؛ و اعتماد نهادی به سازمان‌ها و نهادها و گروه‌ها در حوزه-ی حکومت را شامل می‌شود (موسوی خامنه، ۱۳۸۳). سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای می‌باشد.

شبکه اجتماعی: برای سنجش شبکه‌ی اجتماعی از دو شاخص مشارکت و روابط اجتماعی استفاده می‌شود. مشارکت به معنای شرکت فعالانه‌ی افراد در تمامی ابعاد حیات، یعنی اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد؛ که شامل مشارکت رسمی و غیررسمی است. روابط اجتماعی، به تعاملات و ارتباطات بین افراد اطلاق می‌شود؛ که شامل مقدار و نوع روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و عاطفی می‌باشد زاهدی و دیگران، (۱۳۸۸). سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای می‌باشد.

هنجار اجتماعی: هنجارها، شیوه‌های رفتار متقابلی هستند که در گروه یا جامعه متداول است و فرد در جریان زندگی خود، آن‌ها را می‌آموزد و به کار می‌بندد و انتظار دارد که دیگر افراد جامعه نیز آن را انجام دهند (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۶). برای سنجش هنجار اجتماعی شاخص‌های همیاری، حمایت اجتماعی و انسجام اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. همیاری به احساس درونی افراد، جهت کمک به دیگران اشاره دارد. حمایت اجتماعی، حمایت افراد از یکدیگر در زمان نیازمندی است که به صورت‌های اقتصادی و عاطفی مطرح است. انسجام اجتماعی، توافق جمعی میان اعضای یک جامعه است؛ که حاصل پذیرش و درونی کردن نظام

ارزشی و هنجاری یک جامعه است (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸). سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای است.

گرایش به مصرف مواد نیروزا: گرایش به استفاده از هرگونه ماده یا روش غیرمجازی گفته می‌شود که عملکرد ورزشی فرد را بهبود ببخشد و محدودیت‌های او را کاهش دهد (نادریان جهرمی، ۱۳۸۹). سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای است.

یافته‌های تحقیق

جهت بررسی رابطه بین دو متغیر گروه سنی و گرایش به مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران شهر شیراز از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. نتایج تحلیل در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بین سن و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱- آزمون تفاوت میانگین گرایش به مصرف مواد نیروزا بر حسب سن

وابسته	مستقل	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	سطح معنی‌داری
						-
گرایش به مصرف مواد نیروزا	۱۵ تا ۱۹ سال	۶۸	۱۸/۵۲	۶/۱۶	۳/۵۵۶	۰/۰۲۹
	۲۰ تا ۲۴ سال	۱۹۵	۱۶/۳۳	۵/۵۴		
	۲۵ به بالا	۱۳۷	۱۶/۶۷	۶/۲۲		

برای بررسی رابطه بین دو متغیر رشته‌ی ورزشی و گرایش به مصرف مواد نیروزا از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۲ نشان می‌دهد که میان گروه‌های مختلف ورزشی بر حسب گرایش به مصرف مواد نیروزا تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۲- آزمون تفاوت میانگین گرایش به مصرف مواد نیروزا بر حسب رشته ورزشی

وابسته	مستقل	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	سطح معنی-داری
گرایش به مصرف مواد نیروزا	فوتبال	۱۰۸	۱۵/۵۶	۵/۸۷	۲/۶۴۳	۰/۰۳۳
	دوومیدانی	۸	۱۷/۲۵	۷/۰۲		
	رزمی	۶۷	۱۶/۲۳	۵/۰۵		
	دوچرخه سواری	۴	۱۴/۷۵	۲/۲۱		
	بدن سازی	۲۱۳	۱۶/۸۲	۶/۱۱		

به منظور بررسی رابطه بین دو متغیر میزان تحصیلات پاسخگو و گرایش به مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران شهر شیراز از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۳ نشان می دهد که افراد با سطح مختلف تحصیلات بر حسب گرایش به مصرف مواد نیروزا تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین گرایش به مصرف مواد نیروزا بر حسب میزان

تحصیلات

وابسته	مستقل	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار F	سطح معنی-داری
گرایش به مصرف مواد نیروزا	زیر دیپلم	۴۷	۲۰/۲۷	۶/۳۴	۴/۹۷۱	۰/۰۰۱
	دیپلم	۹۸	۱۶/۸۸	۶/۲۳		
	فوق دیپلم	۱۱۲	۱۶/۱۵۱	۵/۳۱		
	لیسانس	۱۳۸	۱۶/۱۵۹	۵/۷۷		
	فوق لیسانس به بالا	۵	۱۶/۶۰	۲/۷۰		

نتایج نشان می‌دهد که بین وضعیت اشتغال و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی-داری وجود دارد.

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین گرایش به مصرف مواد نیروزا بر حسب وضعیت اشتغال

سطح معناداری	مقدار F	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	مستقل وابسته	
۰/۰۴۲	۲/۵۰۸	۶/۵۱	۱۶/۶۸	۸۹	شاغل	مصرف مواد نیروزا
		۶/۳۲	۱۹/۰۶	۴۸	دانش‌آموز	
		۵/۳۹	۱۶/۵۷	۲۲۵	دانشجو	
		۶/۸۳	۱۶/۵۷	۲۶	خانه‌دار	
		۵/۸۶	۱۴/۰۸	۱۲	سایر موارد	

نتایج آزمون در جدول ۵ نشان می‌دهد که بین اعتماد اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا همبستگی منفی وجود دارد و این همبستگی با احتمال ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ در ارتباط با مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی نتایج نشان داد که تنها بین اعتماد نهادی و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی‌دار وجود دارد.

جدول ۵- همبستگی مصرف مواد نیروزا با اعتماد اجتماعی و مؤلفه‌های آن

همبستگی پیرسون	اعتماد فردی	مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی
-۰/۰۱۶	اعتماد اجتماعی	
۰/۰۸۵	اعتماد نهادی	
-۰/۱۲*	اعتماد اجتماعی	

* $P \leq .05$

به منظور بررسی رابطه بین دو متغیر شبکه اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا در بین ورزشکاران شهر شیراز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. خروجی آزمون در جدول ۶ نشان می‌دهد که بین شبکه اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا همبستگی منفی وجود دارد و این همبستگی با احتمال ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ در ارتباط با مؤلفه‌های شبکه‌های اجتماعی نیز نتایج نشان می‌دهند که مشارکت اجتماعی و فرهنگی و روابط اجتماعی دارای همبستگی منفی و معنی‌دار با گرایش به مصرف مواد نیروزا است.

جدول ۶- همبستگی مصرف مواد نیروزا با شبکه اجتماعی و مؤلفه‌های آن

همبستگی پیرسون		
-/۱۲۲*	مشارکت اجتماعی و فرهنگی	مؤلفه‌های شبکه اجتماعی
-/۰۳۴	مشارکت ورزشی	
-/۱۶۳**	روابط اجتماعی	
-/۱۰۲*	شبکه اجتماعی	

* $P \leq .05$, ** $P < .01$

خروجی آزمون در جدول ۷ نشان می‌دهد که بین هنجار اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا همبستگی منفی وجود دارد و این همبستگی با احتمال ۹۹ درصد معنی‌دار است. همچنین در بین مؤلفه‌های متغیر هنجار اجتماعی، حمایت خانواده و دوستان دارای همبستگی منفی و معنی‌دار با گرایش به مصرف مواد نیروزا است.

جدول ۷- همبستگی مصرف مواد نیروزا با هنجار اجتماعی و مؤلفه‌های آن

همبستگی پیرسون		
-/۰۳۲	انسجام با جامعه ورزشی	مؤلفه‌های هنجار اجتماعی
-/۰۹۲	حمایت جامعه ورزشی	
-/۱۱۵*	حمایت خانواده و دوستان	
-/۱۰۲*	هنجار اجتماعی	

* $P \leq .05$

نتایج تحلیل رگرسیون

با استفاده از رگرسیون خطی ساده و روش گام به گام تمامی متغیرهای تحقیق را وارد مدل رگرسیونی کردیم، که در مدل نهایی متغیرهای رشته‌ی بدن‌سازی، درآمد ۳ تا ۳/۵ میلیون تومان خانواده پاسخگو، روابط اجتماعی، تحصیلات زیر دیپلم پاسخگو، تحصیلات فوق‌دیپلم پدر پاسخگو، حمایت جامعه ورزشی، مشارکت ورزشی، درآمد ۲ تا ۲/۵ میلیون تومان خانواده پاسخگو، درآمد ۳ تا ۳/۵ میلیون تومان پاسخگو، درآمد ۳/۵ تا ۴ میلیون تومان پاسخگو و درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان خانواده‌ی پاسخگو باقی ماندند. همان‌طور که جدول شماره ۸ نشان می‌دهد، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۷ است. که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل رشته بدن‌سازی، درآمد ۳ تا ۳/۵ میلیون تومان خانواده‌ی پاسخگو، روابط اجتماعی، تحصیلات زیر دیپلم پاسخگو، تحصیلات فوق‌دیپلم پدر پاسخگو، حمایت جامعه ورزشی، مشارکت ورزشی، درآمد ۲ تا ۲/۵ میلیون تومان خانواده‌ی پاسخگو، درآمد ۳ تا ۳/۵ میلیون تومان پاسخگو، درآمد ۳/۵ تا ۴ میلیون تومان پاسخگو و درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان، توانسته ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین کند. بنابراین مابقی تغییرات (۷۳ درصد) که به مجذور کمیت خطا معروف است، تحت تاثیر متغیرهای خارج از مدل می‌باشد. از آن‌جا که در رگرسیون خطی از روش گام به گام استفاده شد، این روش متغیرها را یک به یک وارد مدل می‌کند. یعنی ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد را انتخاب می‌کند. دومین متغیری که وارد تحلیل می‌شود، متغیری است که پس از تفکیک متغیر متقدم بر آن، موجب بیشترین افزایش در مقدار ضریب تعیین می‌شود، و این روند تا آخرین متغیر وارد شده در جدول ادامه می‌یابد. بر اساس جدول شماره ۸ ابتدا متغیر رشته‌ی بدن‌سازی که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته داشته وارد مدل شده است. از آن‌جا که مقدار بتا مثبت است و از آن‌جا که سطح معناداری نیز کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد پس این همبستگی معنادار می‌باشد. در مرحله بعد، متغیر درآمد ۳ تا ۳/۵ میلیون تومان خانواده پاسخگویان وارد معادله شده است و با توجه به ضریب بتا می‌توان گفت این دسته از افراد گرایش بیشتری نسبت به استفاده از مواد نیروزا دارند. متغیر بعدی وارد معادله، متغیر روابط اجتماعی است. و با توجه به منفی بودن ضریب بتا و همان‌گونه که انتظار می‌رفت افزایش آن باعث کاهش متغیر وابسته می‌شود.

متغیر بعدی وارد معادله، متغیر تحصیلات زیر دیپلم پاسخگو می‌باشد. این متغیر ۱۵/ درصد از تغییرات گرایش نسبت به استفاده از مواد نیروزا را تبیین می‌کند و باعث افزایش آن می‌گردد. متغیر بعدی وارد معادله، متغیر تحصیلات فوق دیپلم پدر پاسخگو است. با توجه به ضریب بتا گرایش این دسته از افراد نسبت به استفاده از مواد نیروزا بیشتر است. در مرحله ششم، متغیر حمایت جامعه ورزشی وارد معادله شد. این متغیر با توجه به ضریب بتا و مطابق با انتظار باعث کاهش استفاده از متغیر وابسته می‌شود. در مرحله هفتم متغیر مشارکت ورزشی وارد معادله شد. این متغیر در مجموع ۲۱/ درصد از تغییرات گرایش با استفاده از متغیر وابسته را تبیین می‌کند و افزایش آن باعث افزایش متغیر وابسته می‌شود. در مرحله هشتم، متغیر درآمد ۲ تا ۲/۵ میلیون تومان خانواده پاسخگو وارد معادله شده است. این متغیر ۲۳/ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند و با توجه به ضریب بتا این دسته از افراد کمتر از سایرین گرایش به استفاده از مواد نیروزا دارند. در مرحله نهم، متغیر درآمد ۳ تا ۳/۵ میلیون تومان پاسخگویان وارد معادله شده است. این متغیر می‌تواند ۲۴/ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند و افزایش آن می‌تواند باعث افزایش گرایش به استفاده از مواد نیروزا می‌شود. در مرحله دهم، متغیر درآمد ۳/۵ تا ۴ میلیون تومان پاسخگویان وارد معادله شده است. این متغیر ۲۵/ درصد از تغییرات گرایش به استفاده از مواد نیروزا را تبیین می‌کند و باعث افزایش آن می‌شود. در مرحله یازدهم نیز متغیر درآمد زیر ۵۰۰ هزار تومان پاسخگویان وارد معادله شده است. این متغیر می‌تواند ۲۷/ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند و همچنین افزایش آن باعث کاهش گرایش به استفاده از مواد نیروزا می‌شود.

جدول ۸- متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون کلی جهت تبیین واریانس

مرحله	متغیرهای وارد معادله	R	R ²	مقدار F	sig. F	بتا	مقدار T	sig. T
اول	بدن‌سازی	۰/۲۲۳	۰/۰۵۰	۱۳/۸۲۶	۰/۰۰۰	۰/۲۲۳	۳/۷۱۸	۰/۰۰۰
دوم	۳ تا ۳/۵ میلیون خانواده	۰/۲۹۷	۰/۰۸۸	۱۲/۷۸۶	۰/۰۰۰	۰/۱۹۷	۳/۳۴۹	۰/۰۰۱

۰/۰۰۰	-۳/۷۲۱	-۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	۱۳/۵۵۴	۰/۱۳۴	۰/۳۶۶	روابط اجتماعی	سوم
۰/۰۱۰	۲/۵۸۱	۰/۱۴۸	۰/۰۰۰	۱۲/۰۴۹	۰/۱۵۵	۰/۳۹۴	زیر دیپلم	چهارم
۰/۰۱۰	۲/۵۹۴	۰/۱۴۷	۰/۰۰۰	۱۱/۱۹۶	۰/۱۷۶	۰/۴۲۰	فوق دیپلم پدر	پنجم
۰/۰۱۳	-۲/۵۰۳	-۰/۱۵۵	۰/۰۰۰	۱۰/۵۶۲	۰/۱۹۶	۰/۴۴۳	حمایت جامعه ورزشی	ششم
۰/۰۱۵	۲/۴۴۵	۰/۱۵۹	۰/۰۰۰	۱۰/۰۸۰	۰/۲۱۴	۰/۴۶۳	مشارکت ورزشی	هفتم
۰/۰۱۹	-۲/۳۵۶	-۰/۱۳۰	۰/۰۰۰	۹/۶۶۹	۰/۲۳۱	۰/۴۸۰	۲ تا ۲/۵ میلیون خانواده	هشتم
۰/۰۲۶	۲/۲۴۰	۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	۹/۲۸۶	۰/۲۴۵	۰/۴۹۵	۳ تا ۳/۵ میلیون پاسخگو	نهم
۰/۰۳۴	۲/۱۳۵	۰/۱۱۶	۰/۰۰۰	۸/۹۲۹	۰/۲۵۹	۰/۵۰۹	۳/۵ تا ۴ میلیون پاسخگو	دهم
۰/۰۴۷	-۱/۹۹۳	-۰/۱۰۸	۰/۰۰۰	۸/۵۷۳	۰/۲۷۰	۰/۵۲۰	زیر ۵۰۰ هزار خانواده	یازدهم

بحث و نتیجه گیری

از بین ۱۷ فرضیه تحقیق، ۷ فرضیه تأیید شدند و ۱۰ مورد هم تأیید نشدند. فرضیات تأیید شده عبارت‌اند از:

- ۱- بین سن و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۲- بین رشته‌ی ورزشی و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۳- بین میزان تحصیلات پاسخگو و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۴- بین وضعیت اشتغال و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۵- بین اعتماد اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۶- بین شبکه اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی‌داری وجود دارد. ۷- بین هنجار اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه معنی‌داری وجود دارد. همان‌گونه که اشاره شده است، مطالعات و تحقیقات انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق حاضر در میان منابع داخلی و خارجی محدود

می‌باشد؛ که ما به تعدادی از آن‌ها که به صورتی شباهت و قرابت بیشتری با تحقیق حاضر داشته‌اند اشاره می‌گردد.

وجود رابطه بین سن و گرایش به مصرف مواد نیروزا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت که وجود این رابطه به صورت معنی‌دار تأیید شد. رحیمی (۱۳۸۷)، سرلک (۱۳۸۸) و پترزوی (۲۰۰۷) نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند و وجود رابطه را تأیید کرده‌اند. گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال بیشترین میزان مصرف مواد نیروزا را داشته‌اند. می‌توان گفت که در این گروه سنی به دلیل تمایل به خودنمایی، تمایل به استقلال از دیگران و عدم آگاهی و شناخت کافی از مسائل، میزان گرایش به مصرف مواد نیروزا در این گروه سنی بیشتر است. همچنین با توجه به چارچوب نظری تحقیق می‌توان گفت افرادی که سن کمتری دارند. وجود رابطه بین جنسیت و گرایش به مصرف مواد نیروزا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت که وجود این رابطه به صورت معنی‌دار تأیید نشد. افراد، چه بانوان و چه آقایان، تحت تأثیر رسانه می‌باشند؛ و در حال حاضر تأکید رسانه بر بدن ایده‌آل رو به فزونی می‌باشد. در جامعه ما فرصت‌های شغلی، فرصت‌های اجتماعی و دیگر فرصت‌ها در محدودیت قرار دارد. در نتیجه افراد به دنبال جاذبه‌های دیگر برای خودنمایی و جلب توجه می‌باشند. وجود رابطه بین وضعیت تأهل و گرایش به مصرف مواد نیروزا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت که وجود این رابطه به صورت معنی‌دار تأیید نشد. احتمالاً با توجه به اینکه نمونه ما افراد نوجوان و جوانان بودند، افراد در این سنین در دوره‌ای از زندگی قرار دارند که به دنبال تأیید اجتماعی بیشتر می‌باشند، در نتیجه بین افراد مجرد و متأهل تفاوتی دیده نشد.

وجود رابطه بین رشته‌ی ورزشی و گرایش به مصرف مواد نیروزا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت که وجود این رابطه به صورت معنی‌دار تأیید شد. سرلک (۱۳۸۸)، سازوار (۱۳۸۷) و کارگر (۱۳۸۸) نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند و وجود رابطه را تأیید کرده‌اند. دو رشته‌ی دو و میدانی و بدن‌سازی بیشترین میانگین مصرف مواد نیروزا را داشته‌اند. رشته‌ی دو و میدانی با توجه به مسائلی همچون سریع‌تر بودن و استقامت بیشتر داشتن و رشته‌ی بدن‌سازی با مسائلی مثل بهبود شکل ظاهری بدن و افزایش حجم و توده‌ی عضلانی و توجه به تیپ بدنی و

تمایل به خودنمایی در بین دوستان و گروه همسالان می‌تواند سبب روی آوردن جوانان و نوجوانان به مصرف مواد نیروزا شود.

وجود رابطه بین میزان تحصیلات و گرایش به مصرف مواد نیروزا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت که وجود این رابطه به صورت معنی‌دار تأیید شد. سازوار (۱۳۸۷)، متقی (۱۳۸۹) و سکالیچ (۲۰۱۲) نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند و وجود رابطه را تأیید کرده‌اند. با افزایش سطح تحصیلات، افراد از اثرات منفی و جبران‌ناپذیر دوپینگ و مواد نیروزا آگاهی بیشتری پیدا می‌کنند. در نتیجه با افزایش دانش، میزان استفاده از این مواد می‌تواند کاهش یابد. همچنین با توجه به چارچوب نظری تحقیق می‌توان گفت آن افرادی که تحصیلات بالاتری دارند به دلیل تعهد و مشغولیت کمتر از سایرین گرایش به استفاده از مواد نیروزا دارند. زمانی که افراد به فعالیت‌های متداول زندگی از جمله درس و تحصیل مشغول باشند وقت کمتری برای سوق یافتن به سمت چنین رفتارهایی نیز کمتر می‌شود، همچنین افرادی که تحصیلات بالاتری که دارند به این دلیل که نمی‌خواهند جایگاهشان را در جامعه از دست بدهند احتمالاً سعی می‌کنند از چنین گرایش‌ها و رفتارهایی اجتناب کنند.

وجود رابطه بین وضعیت اشتغال و گرایش به مصرف مواد نیروزا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت که وجود این رابطه به صورت معنی‌دار تأیید شد. نخعی (۱۳۹۱) نیز به نتایج مشابهی رسیده و وجود رابطه را تأیید کرده است. مطابق نتایج گرایش دانش‌آموزان به استفاده از مواد نیروزا بیشتر از سایرین بود. دانش‌آموزان در دوره‌ای از زندگی هستند که هنوز وارد مرحله‌ای نشده‌اند که بتوانند از خود دارایی‌ها، دستاوردها، اعتبار اجتماعی کسب کنند، بنابراین می‌توان انتظار داشت از سای روش‌های ساده‌تر دست به کسب اعتبار و توجه اجتماعی کنند. همچنین می‌توان گفت افرادی که در سن نوجوانی هستند تمایل زیادی دارند که خود را متفاوت از دیگران نشان دهند و یکی از روش‌هایی که می‌تواند این تفاوت را به مردم بنمایاند تفاوت و تغییر ظاهری است. از طرفی می‌توان گفت دانش‌آموزان دقیقاً در سنی از رشد زیستی هستند که بدن‌هایشان در حال رشد بوده و هنوز به رشد کامل خود نرسیده‌اند، اما اغلب آنچه در رسانه‌ها می‌بینند شکلی از بدن است که با شکل بدن آنان تفاوت زیادی دارد بنابراین فرد به

این علت که تفاوت زیادی بین خود و تصاویر نمایش داده شده در رسانه‌ها می‌بیند، انتظار می‌رود که تلاش بیشتری هم برای تغییر خود داشته باشند.

با توجه به نتایج تحقیق، بین سرمایه اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا رابطه منفی و معنی داری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هرچه میزان سرمایه اجتماعی فرد افزایش یابد، از میزان گرایش او به مصرف مواد نیروزا نیز کاسته می‌شود. او در این زمینه مطرح می‌کند که سرمایه اجتماعی نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی است. تأکید بوردیو بر مشارکت فرد در شبکه‌های اجتماعی است که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت افزایش سرمایه اجتماعی به معنای افزایش ارتباط با افراد جامعه و در نتیجه قرار گرفتن در معرض پهنه‌های گسترده‌تری از کنترل اجتماعی که دیگران می‌توانند اعمال کنند و فرد را از ارتکاب رفتارهای نابهنجار بازدارند.

وجود رابطه بین اعتماد اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت که وجود این رابطه به صورت معنی دار تأیید شد. تحقیقی با این عنوان صورت نگرفته است، اما در تحقیق مشابهی، حاتم (۱۳۹۱)، کریمی مزیدی (۱۳۹۱)، حیدر نژاد (۱۳۹۱)، عباس زاده (۱۳۹۱) و سلمی (۲۰۰۶)، نیز به نتایج مشابهی رسیده و وجود رابطه را بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و بزهکاری را تأیید کرده‌اند. هنگامی که مردم به یکدیگر اعتماد داشته باشند، می‌توانند مطمئن باشند الزامات متقابل عمل و هنجارها اطاعت خواهد شد. در مقابل، زمانی که مردم شک زیادی به دیگران داشته باشند، اعتماد و اعتقاد کمی به نیروهای نظارتی خواهند داشت؛ بنابراین، سطوح کم اعتماد اجتماعی می‌تواند منجر به ارتکاب بیشتر افراد به رفتارهای انحرافی شود.

وجود رابطه بین شبکه اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت که وجود این رابطه به صورت معنی دار تأیید شد. تحقیقی با این عنوان صورت نگرفته است، اما در تحقیق مشابهی، علی وردی نیا (۱۳۸۷)، کریمی مزیدی (۱۳۹۱)، حیدر نژاد (۱۳۹۱) و عباس زاده (۱۳۹۱)، نیز به نتایج مشابهی رسیده و وجود رابطه را بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و بزهکاری را تأیید کرده‌اند. کسانی که گرفتار کار، زندگی

خانوادگی، سرگرمی و... هستند، معمولاً فرصت کمتری برای درگیر شدن در رفتارهای کج روانه دارند. کجروی را می‌توان معلول ضعف در هم‌بستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه شمرد.

وجود رابطه بین هنجار اجتماعی و گرایش به مصرف مواد نیروزا در پژوهش حاضر مورد مطالعه قرار گرفت که وجود این رابطه به صورت معنی‌دار تأیید شد. تحقیقی با این عنوان صورت نگرفته است، اما در تحقیق مشابهی، علی وردی نیا (۱۳۸۷)، کریمی مزیدی (۱۳۹۱)، حیدر نژاد (۱۳۹۱)، عباس زاده (۱۳۹۱) و سلمی (۲۰۰۶)، نیز به نتایج مشابهی رسیده و وجود رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و بزهکاری را تأیید کرده‌اند. می‌توان گفت کجروی نوجوانان و جوانان، معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که این افراد علائق و وابستگی‌های خود را به خانواده و والدین از دست داده و در محیط تازه‌ای قرار گرفته‌اند که پیوستگی عمیقی با اعضای آن ندارند و به طور کلی، میزان سرمایه اجتماعی این افراد کاهش یافته است. بنابراین فرد در شرایطی قرار می‌گیرد که حمایت و هنجارهای خانواده را نمی‌پذیرند و از طرفی آن‌قدر در گروه‌های دیگر نفوذ نداشته‌اند که بتوانند از حمایت آنان برخوردار باشند و هنجارهای آنان را بپذیرند در چنین شرایطی احتمال اینکه فرد دست به رفتارهایی بزند که با هنجارهای کلی جامعه در تضاد باشد، افزایش می‌یابد.

همچنین رگرسیون چند متغیره نشان داد که ۰/۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط یازده متغیر رشته‌ی بدن‌سازی، خانواده‌هایی با درآمد ۳ تا ۳/۵ میلیون تومان، روابط اجتماعی، تحصیلات زیر دیپلم، تحصیلات پدر با فوق دیپلم، حمایت جامعه ورزشی، مشارکت ورزشی، خانواده‌هایی با درآمد ۲ تا ۲/۵ میلیون خانواده، درآمد ۳ تا ۳/۵ میلیون پاسخگو، درآمد ۳/۵ تا ۴ میلیون پاسخگو و درآمد خانواده‌هایی زیر ۵۰۰ هزار تومان، تبیین می‌شود.

کسانی که در رشته‌ی بدن‌سازی فعالیت دارند، احتمالاً چون سرمایه اجتماعی پایین‌تری دارند، تلاش می‌کنند تا از طریق نمایش بدن و ظاهر خود، به تأیید و توجه اجتماعی برسند. هم‌چنین ورزشکاران رشته‌ی بدن‌سازی به دلیل اینکه می‌خواهند سریع به نتیجه برسند، رو به مواد نیروزا می‌آورند.

همچنین افرادی که درآمد خیلی بالا و خیلی پایین دارند، کم‌تر به دنبال مصرف مواد نیروزا می‌باشند؛ و بیشتر افراد با درآمدهای متوسط به دنبال مصرف مواد نیروزا می‌باشند. احتمالاً افراد با درآمد پایین، با مشکل مالی روبه‌رو هستند و تهیه مواد نیروزا به دلیل گرانی و هزینه‌بر بودن، برای آنان دشوار است. همچنین شاید بتوان گفت افرادی که در دو سر طیف درآمد هستند معمولاً به لحاظ اجتماعی افرادی هستند که محدوده روابط خود را بسته نگه می‌دارند و کمتر با افراد خارج از این محدوده که بیشتر بر اساس موقعیت اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد، درگیر می‌شوند بنابراین هنجارهای خاص خود را به وجود می‌آورند که معمولاً با هنجارهای قشر متوسط که اغلب همان هنجارهای غالب جامعه است در تضاد قرار می‌گیرد.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی؛ غلامرضا غفاری (۱۳۸۰). «بررسی رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی کاشان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص ۳-۳۱.
- ۲- باستانی، سوسن (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۶۰-۹۵.
- ۳- حلب چی، فرزین (۱۳۸۶). «دوپینگ در ورزشکاران»، مجله بهار، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱-۱۲.
- ۴- سرلک، زهرا؛ کاشی، علی؛ مهدی کارگر فرد و مریم سرلک (۱۳۸۶). «آگاهی پزشکان و دانشجویان گروه پزشکی درباره‌ی دوپینگ و مصرف مواد نیروزا در ورزش»، مجله حرکت، شماره ۱، صص ۱۷۹-۱۹۳.
- ۵- رارانی، مصطفی؛ موسوی، میر طاهر و حسن رفیعی (۱۳۸۹). «رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۲۰۳-۲۲۸.
- ۶- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۲). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشارات.

- ۷- زاهدی مازندرانی، محمدجواد؛ سجاد اوچاقلو (۱۳۸۴). «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، صص ۹۲-۱۲۵.
- ۸- زاهدی، محمدجواد؛ ملیحه شیانی و پروین علی پور (۱۳۸۸). «رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و رفاه اجتماعی»، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره‌ی ۳۲، ۱۰۹-۱۲۹.
- ۹- سازوار، اکبر، ناظم، فرزاد، فرح پور، نادر و حمیده خدا ویسی (۱۳۸۷). «شناسایی عوامل مرتبط با مصرف مواد نیروزا توسط دانش آموزان پسر دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان همدان و سنجش میزان آگاهی آن‌ها از عوارض مصرف این مواد»، مجله حرکت، شماره ۳۸، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- ۱۰- صالح، حسین؛ عباس اسدی سامانی (۱۳۸۴). «مصرف مکمل‌های غذایی و داروهای غیرمجاز در باشگاه‌های بدن‌سازی اصفهان»، کتابچه‌ی همایش علمی دانشجویی تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه‌های سراسر کشور، صص ۱۴-۲۹.
- ۱۱- عزیزی، محمد (۱۳۹۱). «بررسی میزان شیوع مصرف و دلایل استفاده از مکمل‌ها در قایقرانان مرد تیم ملی ایران». فیزیولوژی ورزشی، شماره ۲۰، صص ۵۳-۶۲.
- ۱۲- قربانی، اسماعیل و حسین فیض‌آبادی (۱۳۹۲). «واکاوی دیدگاه‌های جامعه‌شناختی انحرافات اجتماعی»، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال اول، شماره ۳، صص. ۹۷-۱۲۰.
- ۱۳- موسوی خامنه، مرضیه (۱۳۸۳). سرمایه‌ی اجتماعی و سلوک اجتماعی، رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- ۱۴- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۳). فصلنامه مطالعات جوانان، نشر سازمان جوانان، شماره ۶، صص ۵۹-۱۰۱.
- ۱۵- نادریان جهرمی، مسعود (۱۳۸۹). مبانی جامعه‌شناسی در ورزش. چاپ اول، تهران: نشر بامداد کتاب.

۱۶- نخعی، محمدرضا، مریم پاکروان (۱۳۹۱). «بررسی فراوانی و علل مصرف مکمل‌های غذایی در ورزشکاران باشگاه‌های بدن‌سازی شهر کرمان»، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۲، صص ۸۷۳-۸۸۰.

۱۷- نقدی، هادی؛ سردار محمدی (۱۳۹۰). «شیوع استفاده از استروئیدهای آنابولیک و میزان آگاهی از عوارض آن در میان دانش‌آموزان کردستان»، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال هفدهم، شماره ۱ سوم، صص ۲۰۶-۲۰۹.

۱۸- هاشمیان‌فر، علی، هواسی، علی، حسن اسماعیل‌زاده و محمود براتوند (۱۳۹۲). «بررسی علل گرایش به مصرف مواد نیروزا در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان خرم‌آباد»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۷-۲۲.

- 19- Bordieo, P. (1986). *The Forms of Capital Hand book of Theory and Research for the Sociology*. New York: Green wood press.
- 20- Flinet, A. & Neyber, F. (1998). "Doping among HighSchool Student in Uppsala, Sweden": Presentation of the Attitudes, Distribution, Side Effect, and Extend of use Scand. J. Soc Med. *Clinical Journal of sport medicine*. 26(1): pp: 129-146.
- 21- Ricky, J. Declan, P. & Petroczi, A. (2010). "Promoting Functional Foods as Acceptable Alternatives to Doping: Potential for Information Based Social Marketing Approach". *Journal of the International Society of Sports Nutrition* 2010.: pp: 7-37.
- 22- Martin, K., Ryna, LM., Susan, B., Anne, F. (2005). *Dietary supplement use by varsity athletes at a Canadian university*. *International Journal of Exercise Metabolism*. 15:195-210
- 23- Ozden Ozbay, (2008). *Does social Capital deter youth from cheating, alcohol use, and violence in Turkey*. *Journal of criminal justice Department of sociology*, Vol. 36, pp.403-415.
- 24- Vito, G. F., Maahs, J. R., & Holmes, R. M. (2005). *Criminology: Theory, research, and policy*. USA: Jones & Bartlett Learning.
- 25- Sekulic, d, Ostojic, M. Ostojic, Z. Hajdarevice, B, & Ostojice, L. (2012). "Substance Abuse Prevalence and its Relation to Scholastic Achievement and Sport Factors: an Analysis Among Adolescents of the Herzegovina-Neretva Canton in Bosnia and Herzegovina". *BMC Public Health* 2012. pp: 212-274.
- 26- Yager, z. & Odea, J. (2014). "Relationships Between Body Image, Nutritiona Supplement use, and Attitudes Towards Doping in Sport among Adolescent Boys: Implications for Prevention Programs". *Journal of the International Society of Sports Nutrition* 2014. PP: 11-13.